سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

کدام ویژگی‌ها؟

علی جهاندار، از شاگردان استاد شجریان درباره مرکب‌خوانی استادش گفته است: «شجریان را بارها در اجراها و به صورت خصوصی دیده‌ام که به‌راحتی از راست‌پنجگاه به سه‌گاه می‌رود یا به اصطلاح پایش را صاف و مستقیم در ابوعطا می‌گذارد. مرکب‌خوانی باید این گونه باشد و آوازخوان راحت به فضایی که می‌خواهد برود.» علاقه‌مندان حرفه‌ای موسیقی می‌دانند که مرکب‌خوانی چقدر کار سخت و پیچیده‌ای است اما استاد شجریان این کار سخت را چنان راحت انجام می‌داد که برای برخی از شاگردان و حتی شنوندگان صدایش این امر مشتبه می‌شد که می‌توانند از وی کپی کنند اما در عمل تبدیل به یک قطعه معمولی و ضعیف می‌شد.

محمدرضا درویشی یکی از آهنگسازان و پژوهشگران حوزه موسیقی که سابقه همکاری در دو آلبوم «جان عشاق» و «گنبد مینا» را با مرحوم شجریان و مرحوم پرویز مشکاتیان داشته سال‌ها قبل و در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها درباره دلایل ماندگاری و همچنین خصوصیات صدای استاد شجریان گفته است: «نکته بارز دیگر که نه در صدای شجریان بلکه در وجود اوست، دانش موسیقی ایشان است، دانشی که ایشان هم از خوانندگان قدیم، از تاج اصفهانی و دیگران با از طریق آوایی که از سیدحسین طاهرزاده و اقبال آذر و سایر خوانندگان قدیمی از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به یادگار مانده بود و آنهایی که به صورت حضوری مکتب‌شان را درک کرده، کسب کرد. شجریان نه‌تنها روی صدای خوانندگان قدیمی کار کرده است، اما اکتفا به آنها نکرده و روی دانش موسیقایی نوازندگان نیز مطالعه کرده است. چگونه است که محدرضا شجریان می‌گوید: «استاد معاصر من استاد جلیل شهناز است؟ این یعنی که به جزئیات این استاد، ایشان روی استادان نوازنده هم مطالعه پیگیر کردند.

علاوه بر کسب معرفت موسیقایی، ایشان موفق به کسب معرفت نهفته در سینه استادان قدیمی شد. بیشتر نوازندگان و خوانندگان فقط به کسب دانش موسیقایی استادان اکتفا کرده‌اند و موفق به کسب معرفت نهفته در سینه آنها نشده‌اند.» فاضل جمشیدی یکی دیگر از خوانندگان و محققان موسیقی است که شاید دقیق‌ترین تحلیل را از شکل و میزان تاثیرگذاری شجریان بر آواز ایرانی را در گفت‌وگو با «موج» ارائه داده است: «آقای شجریان به پدیده‌ای به نام آواز ایرانی یک هویت ویژه بخشید. به‌رغم اینکه خیلی‌ها در شیوه‌های مختلف آن را اجرا می‌کردند. آواز در جامعه ما، از یک‌سو توسط هنرمندانی همچون ابرج، گلپا و خوانندگان دیگری که به شیوه‌ای می‌خواندند و از طرف دیگر، اساتیدی چون ادیب خوانساری، حسین قوامی، حسین طاهرزاده، رضاقلی میرزاقلیم و سعادتمند قمی به شیوه‌ای متفاوت اجرا می‌شد. ... اما آقای شجریان توانست با تکیه بر دانش ردیف ایرانی، همان قابلیت‌ها و جاذبه‌های آواز که خیلی از آقایان اساتید مه‌کرده‌اند را با تلفیق ردیف به اضافه تصانیف و ترانه‌ها و ایجاد جاذبه بیشتر جا بیندازد. بعد در زمان تحول اجتماعی و سیاسی سال ۱۳۵۷ و همراه با این تحول یک مُهر جدیدی بر موسیقی جایگزین موسیقی قبل از انقلاب بزند.»

**داود گنجه‌ای، نوازنده کمانچه و ویولن و عضو شورای عالی خانه موسیقی ایران است. گنجه‌ای، ردیف کمانچه را از عبدالله جهان‌پناه و نواختن ویولن را از ولفگانگ والیش، استاد اتریشی، فرا گرفته است. تعلیم در تمام سطوح در مراکز هنری و آموزشی و اجرای کنسرت در نقاط مختلف جهان و فستیوال‌های داخلی و خارجی همراه با گروه‌های موسیقی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، از جمله فعالیت‌های داود گنجه‌ای است. او ارتباط نزدیکی با استاد شجریان داشته و دوران شاگردی و همراهی استاد شجریان را از نزدیک دیده است. او در گفت‌وگو با «موج» ارائه داده است: «آقای شجریان به گفت‌وگو با روزنامه شرق گفته بود. نکته‌هایی که دیگر اهالی موسیقی هم به نوعی دیگر درباره ویژگی‌های فنی استاد شجریان گفته بودند. برخی از موسیقیدانان، جریان‌سازی در آواز ایران را از ویژگی‌های اصلی و می‌دانند و معتقدند که شیوه آوازی او مبتنی بر حفظ اصالت‌های گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی ایران است. شجریان از بسیاری استادان به صورت مستقیم و غیرمستقیم بهره‌مند شده است. براساس آنچه در کتاب‌ها و مصاحبه‌ها ثبت شده، برای شجریان فرق نمی‌کرده استادانش، استاد آواز باشند یا ساز. جمله‌بندی‌های ردیف سازی را از نورعلی برومند، جلیل شهناز، ابوالحسن صبا و احمد عبادی فرا گرفته و در آواز به سیدحسین طاهرزاده، عبدالله دوامی، حسین عمومی و اسماعیل مهرتاش اقتدا کرده است. هر چند نگاهی به کارنامه کارای‌اش نشان می‌دهد که او از تمام شیوه‌های آوازی مکاتب آوازی ایران تاثیر گرفته است. حالا که از حد ابتدایی روزهای پس از درگذشت استاد شجریان خوابیده است وقت مناسبی است تا ویژگی‌های موسیقی و آوازی و همچنین تاثیرات وی در شاخه‌های مختلف موسیقی را بررسی کنیم. بسیاری از اهالی موسیقی و کارشناسان این حوزه، تنوع در تحریرها، ادوات تحریری مناسب و بجا، پیوند دقیق و مناسب شعر و آواز و تبحر در بم و زیرخوانی، دامنه وسیع صدا، سلیقه در انتخاب شعر، توجه به همه شاعران بزرگ پارسی، بیان دقیق و خوش‌خوانی و رعایت اصول میانایی موسیقی است که شاید دقیق‌ترین تحلیل‌ها در دوران معاصر با وی و حتی پیش از او هم نمونه مشابهی نداشته است. آواز ایرانی را در دو گروه تقسیم می‌کنند و درواقع آواز در جامعه ایرانی پیش از انقلاب به دو شیوه در جریان بوده؛ یکی کلاسیک و دیگری آوازی که عموم مردم با ویژگی‌های خودش می‌شنیدند؛ حال اینکه یا در فیلم‌ها خوانده می‌شد و یا در بین مردم زمزمه می‌شد و این شیوه به آواز مردمی مشهور بود. استاد شجریان را می‌توان پیوندهنده‌ دو جریان بین رسمی بودن موسیقی و فراگیر بودنش بدون اطلاق عنوان‌های مبتذل به آن دانست. قارغ از دعواهای سیاسی یا حتی سوءاستفاده‌های سیاسیون از اسم شجریان و فضاهای هیجانی مردم، این را مجالی است تا بدانیم چرا محدرضا شجریان در هنر و موسیقی ما جایگاه بالایی دارد و اساسا برای موسیقی ایرانی چه کرده است؟

شجریان نمی‌خواست مردم را سرگرم کند

از ۶۰ سال پیش هم که با هم کار می‌کردیم همواره این روحیه یادگیری و طلبه بودن در او وجود داشت. علاوه‌بر این سعی می‌کرد آثار قدما را بخواند و کپی کند، تا ریزه‌کاری‌هایش را بفهمد و با درایت و هوش وزندگی سالمی که در موسیقی داشت می‌توانست این تغییرات را ایجاد کند.

انسانی بود که تاثیرگذاری متفاوتی نسبت به بقیه خوانندگان داشت. اگر قطعه‌ای را می‌خواند آن را به‌خوبی یاد گرفته بود و از این آهنگ‌سازی صداهای خودش را می‌شنید که چه‌طور باید اجرا کند. او یک تاثیرگذاری متفاوتی نسبت به بقیه خوانندگان داشت. اگر قطعه‌ای را می‌خواند آن را به‌خوبی یاد گرفته بود و از این آهنگ‌سازی صداهای خودش را می‌شنید که چه‌طور باید اجرا کند. او می‌توانست این تغییرات را ایجاد کند.

انسانی بود که تاثیرگذاری متفاوتی نسبت به بقیه خوانندگان داشت. اگر قطعه‌ای را می‌خواند آن را به‌خوبی یاد گرفته بود و از این آهنگ‌سازی صداهای خودش را می‌شنید که چه‌طور باید اجرا کند. او می‌توانست این تغییرات را ایجاد کند.

مضاف بر اینکه بزرگ‌ترین خدمت شجریان این بود که شاعران بزرگی داشتیم و داریم که کسی اشعار آنها را نمی‌خواند یا حتی اگر حافظ یا هم می‌خواندند به‌درستی ادا نمی‌کردند. کار آقای شجریان برای این نسل ما و برای فرهنگ ما این بود که تمام اینها را ساده و آسان کرد. در طول تاریخ که مطالعه کردم هیچ کس همچون شجریان نبود که بعد از مدت کوتاهی به کاباره و سلیقه عمر کشیده نشود. بر طبق اصول جلو می‌رفت و براساس اصول موسیقی کار می‌کرد.

البته شجریان مخالف و منتقد هم داشت. برخی خوانندگان سنتی موفق قبل از انقلاب می‌گفتند اگر ایشان پس از انقلاب مشهور شده به واسطه این بود که میدان به دلایل مختلف از چهره‌های موسیقی بود، آیا واقعیت این است؟

خیر. این کمال بی‌انصافی است چون می‌توان گفت استاد شجریان در دوره اولین کسانی بودند که دوستی و مودت موسیقایی پیدا کردند و همان زمان قبل از انقلاب هم موسیقی را خوب می‌شناختند، آواز او با دیگران متفاوت بود. ما چون تحصیلکرده دانشگاه و دانش‌آموخته مرکز موسیقی بودیم و تعصب خاصی به حفظ ریشه‌ها داشتیم و آن زمان هم زمان خاصی بود، شجریان نقش پررنگی را ایفا کرد و متعهد به کاری که انجام می‌داد، بود. برعکس الان که خواننده یک دوره می‌خواند و اگر صدای گرمی دارد که خداوند به او عنایت کرده، مطلبی می‌آموزد یا خود را گم می‌کند یا دنبال پول و شهرت‌های کاذب می‌رود، یا هر چیزی که سلیقه دیگران باشد بنا به سلیقه آنها رفتار می‌کند. شجریان این چنین نبود.

شجریان معتقد به مکتب و اصول بود و اصول و پایداری به موسیقی اصیل بود. استاد بنان موسیقی فاخر را معنا را ارائه می‌داد اما می‌خواهم بگویم شجریان از او نیز عبور کرد. فرق نمی‌کند شجریان چیزی در موسیقی ایرانی گم کرده باشد که دیگری بخواهد آن را تکمیل کند.

انقلاب باعث شد تمام عوام هم شجریان را خوب بشناسند. ابتدا شجریان با نام دیگری فعالیت می‌کرد که دلایل مختلفی داشت اعم از اینکه خانواده او مذهبی بودند، خانواده‌اش نمی‌خواستند این چنین شود. آن زمان هم موسیقی در کشور اهمیت نداشت.

بعدا از انقلاب موسیقی ما آن ارزش واقعی خود را نشان داد. هرچند قدر آن را مسئولان نمی‌دانند ولیکن مشخص شد فرهنگ ما بستگی به هنر ما دارد و یک کشور را از هنر آن می‌شناسند. در تاریخ همه فراموش می‌شوند ولی اوایل این قرن صبا، بتهوون و... در تاریخ فراموش نمی‌شوند.

قبل از استاد شجریان آواز ایرانی نزد عموم مردم شناخته‌تر شد و هم خواص و هم عوام این را می‌شناختند که مهم‌ترین دلیل آن حضور استاد شجریان بود. جدا از مسائل فنی به نظر من هوش بالای ایشان در انتخاب اشعار، قطعات و زمان مناسب در جای مناسب هم مزید بر علت موفقیت‌هایش بود.

ریتم درونی موسیقی ما را شجریان درآورد و منظم کرد. روی هر کلام و نتی می‌ایستاد جای آن بود که بایستد و چون به این موسیقی اعتقاد داشت و معتقد بود به موسیقی کلاسیک ایران ما دیدی و دستگاه‌های ما دارای پیام‌های حکیمانه و همچنین وسیع است و انسان را به تفکر وامی دارد و کارآمد است پس می‌توان از آن استفاده‌های خوبی کرد.

کسی که در کاباره می‌خواند می‌خواست مردم را سرگرم کند، شجریان نمی‌خواست مردم را سرگرم کند. او می‌خواست راه درست علمی موسیقی را ادامه دهد و در این راه بسیار موفق بود. قدیم اصلا آواز را نمی‌دانستند. در قدیم اصول اولیه آواز بود و تصانیف که الان هم عده‌ای تصنیف‌خوان هستند و شعرهایی که وزن ساده‌ای دارد را می‌خوانند. شجریان سراغ تحریرهایی که انواع و اقسام دارند و در طبیعت نمونه‌اش مثلا بلبل است—از تاریخ فراموش نمی‌شوند. صدای آواز و موسیقی اصیل ما از همین طبیعت و موسیقی پرندگان گرفته شده است. شجریان چون اهل گل و باغ بود و اهل طبیعت بود و از اینها الگوپردازی می‌کرد و قطعا به همین دلایل در هنر ایران تکرار نشدنی نیست. با اینکه عمر فیزیکی او به پایان رسیده است ولی فضای معنوی او باقی است. همه ما که موسیقیدان هستیم و او را دوست داشتیم و کسانی که صدای او را شنیدند، چه کسانی که مذهبی بودند از زبان و صوت قرآن ایشان بی‌نهایت بهره می‌بردند و چه افراد دیگر که از موسیقی او لذت می‌بردند.

می‌توانیم بگوییم که استاد شجریان نگاه به موسیقی را هم پس از انقلاب تغییر داد؟

بله، هرچند موسیقی ما همواره مظلوم واقع شده است. کسی نیامده بگوید موسیقی ما با غارق می‌کند. موسیقی مبتذل همراه با کلام مبتذل است. ما هم اعلام این موسیقی هستیم. شجریان می‌دانست که کلام چه میزان بروتاثیر دارد و در تربیت، همبستگی، وحدت، اقتصاد و... اثربخش است و اشعاری که شجریان می‌خواند بسیار غنی بود و موسیقی است که این اشعار را زنده کرده است. موسیقی است که دلایل در هنر ایران تکرار نشدنی نیست. با اینکه هنر فیزیکی آنها را زنده کرده است. او در بالاترین درجات معنوی قرار دارد که هنوز قرن او باور ندارم و هر روز شجریان هستیم. تمام خوانده‌ها وقتی بخواهند قدری جلوه کنند گریزی به صدای استاد شجریان می‌زنند و از او تقلید می‌کنند. هرچند کسی همانند شجریان نمی‌تواند بخواند، حتی پسر ایشان هم نمی‌تواند به توانمندی او بخواند. شجریان بهترین بود و در این مجال چگونه می‌توان از تخصص و زحمات او روایت کرد. او بسیار به ایران و وطن خود علاقه‌مند بود و مردم ایران را بسیار دوست داشت.

موسیقی بیان احساس انسان است، زبان بین‌المللی است و کسانی که درباره موسیقی منفی‌بافی می‌کنند، موسیقی را نشناخته‌اند. موسیقی کلام خداست.

«فرهیختگان» ۴۰ روز پس از درگذشت استاد شجریان و در گفت‌وگو با اهالی موسیقی بررسی کرد

آداب حفظ آواز ایرانی

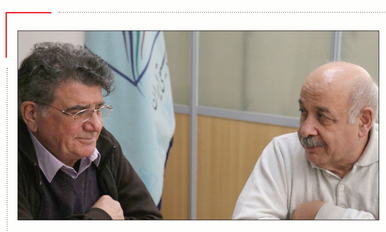

ادامه از صفحه ۱۲

علیرضا مهدیزاده، خواننده موسیقی سنتی:

کار استاد شجریان حفظ آواز ایرانی بود

علیرضا مهدیزاده، خواننده و استاد موسیقی سنتی است که می‌تواند درباره تاثیرات استاد شجریان بر ردیف‌ها و دستگاه‌های ایرانی توضیحات دقیق‌تری بدهد. همکاری با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان، گروه گر تهران به‌عنوان نکخوان (سولیست) و گروه‌های دیگر و همچنین خوانندگی در اپراهای «عاشورا» و «حافظ» به آهنگسازی بهزاد عبدی و کارگردانی بهروز غریب‌پور و اپرای «سعدی» به آهنگسازی امیر بهزاد، تیتراژ فیلم سینمایی «راه رفتن روی سیم» و اجرا در بزرگداشت حضرت مولانا در کشور ترکیه به همراه گروه نهان از جمله فعالیت‌های وی است.

///

شما مراودات کوتاهی با استاد شجریان داشتید و در کلاس‌ها حاضر می‌شدید، درست است؟

بله. در آن دوره در کارگاهی که سال ۸۶ تشکیل شد، حضور داشتم. بیشتر شاگردی خود را ابتدا با استاد شاهپور رحیمی، استاد جعفر صادقیان، استاد حمیدرضا نوربخش گذراندم. سال ۸۶ مدت کوتاهی استاد شجریان را می‌دیدیم و سعادت دیدار ایشان را داشتیم.

ردیف‌های موسیقی بعد از علینقی خان وزیری دچار تغییراتی شدند. کمتر خواننده‌ای توانست این تغییرات را برای خود کند و بتواند از پس خواندن آن برآید. شاید نوازنده‌ها می‌بودند، ولی کمتر خواننده‌ای توانست این کار را انجام دهد. استاد شجریان نمونه کم‌نظیری بود که این تغییرات را برای خود کرد و علاوه بر حفظ میراث موسیقی ما توانست چیزهایی بدان اضافه کند. این فرضیه چقدر درست است و چه شد که هم مردم کوچه و بازار و هم خواص صدای ایشان را دوست داشتند؟

تغییراتی که اشاره می‌کنید باید بدانیم چطور روایت شده، کدام ردیف و در کدام شیوه‌ها و مکتب‌ها بوده است. ردیف‌های سازی و ردیف‌های آوازی، مکاتب مختلف دارند و روایت‌های گوناگون می‌شدند. یک‌سری را می‌توان گفت به‌مرور زمان چون سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد، مخصوصا در آواز دچار تغییر و تحول شده است. البته در ساز هم همین بوده، ولی از یک دوره‌ای به بعد توسط اساتیدی همچون استاد صبا و غیره روی ردیف مکتوب خود کار کردند.

در آوازی تا حدی این اتفاق رخ داده ولی می‌توان گفت کاری که استاد شجریان انجام دادند این است که از مکاتب مختلف و ردیف‌های گوناگون و شیوه‌های آوازی اساتید مختلف گل‌ها را چیدند و گلستانی تحویل دادند یعنی بدون هر گل زیبایی را چیدند و کاشتن آن بذر گلستانی ساختند. جزئیاتی که ایشان در آواز خود رعایت کردند در خیلی جای دیگر به این شکل قابل مشاهده نیست. ظرافت‌هایی که براساس تحریر یعنی برداشت‌هایی از ردیف‌سازی، تحریرهایی که فرهنگ، شکل و نحوه اجرای آن سازی است، درصورتی که در ردیف‌های آوازی اینها را نمی‌شنویم. این تحول را می‌توانم اینجنین در شیوه ایشان عنوان کنم که البته خود ایشان این شیوه را به سیدحسین طاهرزاده اطلاق می‌کنند و در تدریس‌های خود بر اساس چیزهایی که از مرحوم برومند دریافت می‌کردند به آنجا ارجاع می‌دهند، درصورتی که بیشتر آن تبیین شده خودشان بوده است.

حتی تا ترانه‌زدن استاد شهناز الگوبرداری برای خواندن کردند. می‌گفتند الگوبرداری برای خواندن از صدای تار جلیل شهناز داشتند.

بله، حتی از الگوهای سازی در حوزه آواز استفاده کردند.

برخی معتقدند مهم‌ترین کار استاد شجریان حفظ آواز ایرانی بود. چقدر این گزینه صحیح است؟

بله، کاری که ایشان به‌خصه در این حوزه انجام داده، حفظ آواز ایرانی بود. کاری که شاید نسل‌ها خواننده‌های مختلف به‌نحوی همواره به‌خاطر اینکه فضای موسیقی تصنیفی و آوازی برای مردم شاید بیشتر جا افتاده بود و دوست داشتند و گوش می‌کردند، گرایش به آن سمت داشتند، ولی استاد در کنار اینکه از تصانیف قدیمی بازسازی‌های زیادی داشتند، تصانیف آهنگسازان معاصر خود را زیاد اجرا کرده‌اند، ولی شاخصه اصلی اجرا و موسیقی ایشان آواز بوده است. آوازی که ایشان طراحی و اجرایی کرد و گاهی در محافل خصوصی بداهه بود و ضبط می‌شد، شاخصه اصلی ایشان بود، پس می‌توان گفت آواز محور اصلی بود و همواره بدان تاکید داشتند که آواز را حفظ کنید و این برای ما است و این موسیقی ملی ما است.

مگر آواز ایرانی چه شرایطی داشت؟ یعنی قبل از استاد شجریان آواز ایرانی در جایگاه پایینی بوده است؟

قطعا ایشان آواز ایرانی را ارتقا داده‌اند. نمی‌توان گفت آواز ایرانی قطع خاص مجالس و محافل بوده است، چون قبل از استاد شجریان، استاد بنان و اساتید دیگر کار می‌کردند و آواز می‌خواندند و برنامه‌های رادیویی زیادی ضبط شده که سازها در آن وجود دارد، ولی نوع نگاه در آواز به‌نحوی تغییر کرده است؛ یعنی آواز شما دغدغه جامعه باشد. اشعاری که شما برای آواز انتخاب می‌کنید متناسب با زمانه خود داشته باشد و حتی تصانیفی که انتخاب می‌شود اینچنین باشد. متاسفانه شکاکیانی تصنیفی ساخته‌اند که روزمره‌گی می‌خوانند، در انتخاب آواز شعری را حفظ انتخاب شده که به زمان و دوره خود همخوانی کامل دارد. جزئیات این را از زبان استاد شنیده‌اند که آن شعرها روایت چه زمان و چه روزی بوده است. این مناسب بودن کلام به همراه آواز، کمال انسانی گرایی که خوانده در اثر خود رعایت کرده که هنر او انسان‌ساز و اخلاق‌گرا و راستگو باشد، صرفا یک موضوع محفل یا لحظه‌ای نباشد که با آن همان لحظه لذت ببریم یا اندیشه‌ای در ما ایجاد نکند و ما را به فکر کردن وادار نکند. اینچنین نبوده است. در خوانندگان دیگر نیز این مساله بوده است، ولی می‌توان گفت کمال این را در استاد شجریان شاهد هستیم.

موسیقی که صرفا سرگرمی نبوده است.

بله، دقیقا همانند سینمایی که صرفا سرگرمی نباشد. فیلمی که فقط چند دقیقه‌ بیا آن بخندید نباشد، اگر کمدی هم می‌بینید از بستر لحظه یک‌سری اندیشه‌هایی در شما جرقه بزند و به فکر فروبرود و سعی کنید در خود اصلاح کنید و به دیگران ترویج دهید و این سازی اتفاق بیفتد، اخلاق و کمال انسانی اتفاق افتد.

غلامرضا رفیعی:

استاد شجریان کارهایی را خواند که پیش از او نتوانسته بودند، بخوانند

غلامرضا رضایی بادگیری آواز را از سال ۱۳۶۳ نزد استاد رضا شاکری در مشهد و آشنایی با شیوه آواز مرحوم عبدالله دوامی آغاز کرد. او از سال ۱۳۷۵ و در ۲۶ سالگی شاگرد استاد محمدرضا شجریان شد و سپس دوره پیوند شعر و موسیقی را از استاد حسین دهلوی آموخت. اجرای کنسرت‌های متعدد در ایران و چند کشور اروپایی و آسیایی و انتشار آلبوم «آسمانه» با آهنگسازی استاد مجید درخشانی ازجمله فعالیت‌های او است. با او درباره خاطرات از کلاس‌های استاد شجریان و همچنین بررسی نوع تاثیرات استاد شجریان بر آواز ایرانی هم کلام شدیم.

///

ابتدا درخصوص نحوه آشنایی و حضور خودتان در کلاس‌های استاد شجریان توضیحات بیشتری بفرمایید تا برویم سراغ سوالات اصلی‌تر.

در سال ۷۵ پدر استاد شجریان قوت کرد و من که سال‌ها در مشهد زندگی می‌کردم توسط یکی از دوستان مشترک به ایشان معرفی شدم. خیلی از افراد به ایشان معرفی می‌شدند و صداهای مختلف را می‌شنیدند و توصیه‌هایی به دوستان می‌کردند اما به من چیزی نگفتند. موقعی که از جلسه خارج می‌شدم به من گفتند شما بنشینید. آن روز بنچسبنته بود که ایشان در مشهد بود و شنبه هفته بعدش یعنی هشتم دی ماه ۷۵ در منزل ایشان، در خیابان ایران‌زمین، کلاس من ساعت ۱۶ برگزار شد.

البته قبل از اینکه آغاز خوانید هم کار آواز می‌کردید.

اینها نکاتی بود که باعث می‌شد روند آموزشی به‌شکل خیلی ویژه‌ای پیدا کند یا ادامه پیدا نکند. مسأله بعد شخصیت و اخلاق هنرجو بود. تفکر هنرجو بود که برای ایشان بسیار اهمیت داشت. ایشان تنها به شما آواز یاد نمی‌داد و این بخشی از کار بود، همواره می‌گویم این ابزاری برای این بود که هنرجو را برای تعالی بهتر، تاثیرگذاری در جامعه بهتر، نقش داشتن در حوزه فرهنگی و هنری تربیت کنند.

نکته مهم این است که طبق گفته شاگردان و دوستان وی، تمام نکاتی را که از شاگردان می‌خواستند، خودشان انجام می‌دادند و روی آن تسلط کامل داشتند. چقدر می‌توان از تعهیراتی که وی در موسیقی ایرانی انجام داد، شنید و حس کرد و به شاگردانش هم منتقل شده است؟

همان‌طور که اشاره کردید، آنچه را می‌گفتند هنرجو رعایت کند ایشان قبل از رعایت و تجربه کرده بود. معلمی نبودند که شاگرد به خودش بگوید چرا استاد خودش این موضوع را رعایت نمی‌کند. به سخت‌ترین شکل ممکن ابتدا در وجود خود آن نکته را رعایت می‌کردند اما دلایل تاثیرگذاری ایشان این بود که استاد شجریان ابعاد متفاوتی داشت و آنقدر این ابعاد گسترده بود که به نظر من هرکدام را بخواهیم تخصصی بررسی می‌کرد. استاد شجریان یک نگاه خاص به موسیقی و مردم نداشت.

بعد جامعه‌شناسی و زبان متخصص باید بررسی می‌کرد. بعد درونی و روانکاوانه وی را باید روانکاوی بررسی می‌کرد. بعد جمال‌شناسی ایشان از تصویر را باید جمال‌شناسان و متخصصان اصول هنر بررسی می‌کردند. نگاه ایشان فقط مختص موسیقی نبود. چون مجال زیستن را با این نگاه در هستی گرفته بود، آن تاثیر را در آلبوم‌هایی همانند نوا، دستان، آستان جانان و... کامل آشکار می‌بینید.

اوایل انقلاب و حتی در دهه ۶۰ و ۷۰، استاد شجریان سختگیر بودند و شاگردهای کمی می‌پذیرفتند. استاد شجریان در ارتباط با شاگردانش چه روحیه و منشی داشت؟ هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ فنی چه ویژگی‌هایی در حوزه تدریس موسیقی داشت؟

اصولا در دهه‌های ۶۰-۷۰ پذیرش هنرجو بسیار سخت بود. بزرگ‌ترین مسأله‌ای که برای استاد مهم بود، این بود که نکته‌ای که به هنرجو تذکر می‌دهند و توصیه می‌کنند در جلسه آینده رعایت شده باشد. استاد از هنرجویانی که راکد می‌شدند، پرهیز می‌کردند. همواره می‌گفتند اگر این فرد نمی‌تواند تغییری کند دوقت من را نگیرد. این دقت ایشان، وسواس ایشان باعث شد هم به‌سختی هنرجو بگیرند و هم خیلی از کسانی که خدمت استاد رسیدند به همین دلیل حذف شدند. بعد از دهه ۷۰ روند تدریس استاد تغییر کرد. استاد شجریان سه دوره تدریس داشتند، در دوره سوم که کارم را آواز شد نوع نگاه و روند برای فرآیند آموزشی و جذب شاگردان تغییر خیلی متفاوت بود. ولیکن در دهه ۷۰ که خدمت ایشان بودم و سینا سرلک، خانم نغمه علائی، همایون شجریان و... بودند، برای ایشان بسیار مهم بود هنرجو تبدیل به جلسه قبل در فرآیند درسی و آموزشی تغییر کرده باشد، یعنی نگاه جدی داشتند که هنرجو با دقت و وسواس بتواند نکات آموزشی لازم را در آن دستگاه‌ها و آواز مربوطه یاد دقت کند. مثل خیلی که از چیزی ذوق می‌کرد زمانی که می‌دید شاگردی خوب خوانده و تمام نکات ذیدی ایشان را برآورده می‌کرد، خوشحال می‌شد.

البته نکاتی بود که باعث می‌شد روند آموزشی به‌یک هنرجو ادامه پیدا کند یا ادامه پیدا نکند. مسأله بعد شخصیت و اخلاق هنرجو بود. تفکر هنرجو بود که برای ایشان بسیار اهمیت داشت. ایشان تنها به شما آواز یاد نمی‌داد و این بخشی از کار بود، همواره می‌گویم این ابزاری برای این بود که هنرجو را برای تعالی بهتر، تاثیرگذاری

نکته‌ای که در کتاب‌ها خواندیم و در رسانه‌ها دیدیم این بوده است که

پرونده‌های فساد اقتصادی در شبکه مستند بازخوانی می‌شود

روایت فساد «یقه‌سفیدها» در «به نام قانون»

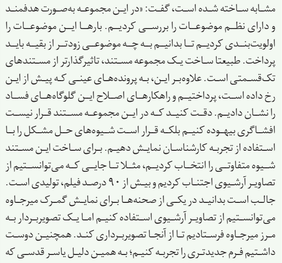

مستند «به نام قانون» درباره مفاسد اقتصادی ساخته شده و در هر قسمت سراغ یکی از پرونده‌های پرسروصدای فساد اقتصادی می‌رود. به نام قانون به کارگردانی محسن اسلام‌زاده، مجموعه مستند جدید شبکه مستند سیماست که با همکاری موسسه شهید آوینی در ۸ قسمت تولید شده است.

اسلام‌زاده با اشاره به سوژه این مستند گفت: «نزدیک به دو سال پیش مجموعه‌ای به نام «سرطان اجتماع» را آغاز کردم که نام فعلی آن «به نام قانون» است و قرار است از تلویزیون به نمایش دربیاید. این مجموعه درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی است و تلاش می‌کند به گلوگاه‌های فساد در کشورمان نزدیک شود.»

وی اضافه کرد: «دشمنان تلاش می‌کنند با آدرس غلط به افکار عمومی چنین القا کنند که جمهوری اسلامی در برخورد با مفاسد اقتصادی فقط برخوردهای سنگین قهری و قضایی بلد است درحالی که عده‌ای از ضابطین زحمت فراوانی می‌کشند و سعی کردیم تلاش‌شان را به تصویر بکشیم. البته برخورد قضایی هم لازم است. در این مستند می‌خواهیم ضمن نمایش گلوگاه‌های فساد نشان بدهیم که چه فعالیت‌هایی باید انجام شود تا بتوان به‌صورت ریشه‌ای با فساد مبارزه کرد.»

وی اضافه کرد: «در این مجموعه مستند به موضوعی که به «فساد یقه سفیدها» شهرت پیدا کرده است، می‌پردازیم.»

این کارگردان و مستندساز درباره جزئیات این مجموعه مستند توضیح داد و گفت: «این مجموعه موضوع‌محور است و در هر قسمت مستند به پرداخت به آن موضوع، یک پرونده خاص که نمود بیرونی دارد را بررسی می‌کنیم. به‌عبارت دیگر، این گونه نیست که فقط درباره خصوصی‌سازی صحبت کنیم بلکه در کنار صحبت درباره آن به یکی از پرونده‌های خصوصی‌سازی که در سال‌های اخیر سروصدای زیادی نیز بپا کرده است می‌پردازیم. در موضوع قاچاق و زمین‌خواری نیز سراغ چند پرونده مهم و کلان می‌رویم که در سال‌های اخیر برخاسته بوده است. البته در کنار این بررسی‌ها دنبال راهکار اصلاح هم هستیم.»

وی اضافه کرد: «در مستند به نام قانون، به موضوعات مهم اقتصادی نظیر خصوصی‌سازی، قاچاق، زمین‌خواری، تخصیص ارز، قاچاق سوخت، بورس کالا و پتروشیمی و... پرداخته‌ایم.»

اسلام‌زاده درباره روند تحقیق و پژوهش این مستند گفت: «گروه‌های پژوهشی زیادی وجود داشته که در مورد گلوگاه‌های فساد کار کردند و نتایج تحقیقات‌شان قابل استناد است. بر همین اساس با همکاری شبکه تحلیلگران «ایتان» و قرارگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی پژوهش این مجموعه مستند را آغاز کرده و آن را گسترش دادیم.»

او درباره تفاوت این مجموعه با دیگر مستندهایی که با سوژه‌های مشابه ساخته شده است، گفت: «در این مجموعه به‌صورت هدفمند و دارای نظم موضوعات را بررسی کردیم. بارها این موضوعات را اولویت‌بندی کردیم تا بدانیم به چه موضوع زودتر از بقیه باید پرداخت. طبیعتا ساخت یک مجموعه مستند، تاثیرگذارتر از مستندهای تک‌قسمتی است. علاوه‌بر این، به پرونده‌های عینی که پیش از این رد داده است، پرداختیم و راهکارهای اصلاح این گلوگاه‌های فساد را نشان دادیم. دقت کنید که در این مجموعه مستند قرار نیست افشاگری بیهوده کنیم بلکه قرار است شیوه‌های حل مشکل را با استفاده از تجربه کارشناسان نمایش دهیم. برای ساخت این مستند شیوه متفاوتی را انتخاب کردیم، مثلا تا جایی که می‌توانستیم از تصاویر آرشیوی اجتناب کردیم و بیش از ۹۰ درصد فیلم، تولیدی است. جالب است بدانید در یکی از صحنه‌ها برای نمایش گمرک مرجع‌اله می‌توانستیم از تصاویر آرشیوی استفاده کنیم اما یک تصویربردار به مبرز مرجع‌اله فرستادیم تا از آنجا تصویربرداری کند. همچنین دوست داشتیم فرم جدیدتری را تجربه کنیم؛ به همین دلیل یاسر قدسی که فیلم‌ساز و پژوهشگر و نویسنده است را انتخاب کردیم. با حضور او روایت اول شخص ارائه کردیم. شاید صدای یاسر قدسی قبل مقایسه با صدای کسانی که بیشتر صداپیشه‌ای کار می‌کنند، قبول نباشد اما تلاش کردیم نکته جدیدی را انتخاب کنیم. قسمت اول مجموعه مستند به نام قانون با موضوع خصوصی‌سازی و با مرور پرونده ماشین‌سازی تبریز آماده پخش شده است.»

این مجموعه چهارشنبه‌ساعت ۲۱ از شبکه مستند سیما پخش می‌شود و بازپخش آن روز بعد ساعت ۹ خواهد بود.

آن‌طور که مرکز فرهنگی مبشان است و از دیگر عوامل آن می‌توان به تهیه‌کننده و کارگردان: محسن اسلام‌زاده، نویسنده و راوی: یاسر قدسی، تصویربردار: ان: سیدمصطفی سیدالحسینی، محمدامین صدیقی‌مقدم، علی‌شکورستا، تدوین: علی مومن‌علایی و گرافیک تصویری: آرمین به‌امیدحق اشاره کرد.